



تأثیر آموزش‌های شهروندی بر افزایش آگاهی شهروندی کودکان هشت‌ساله شهر اصفهان (با تأکید بر نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای)

بدری شاه‌طالبی *

اکرم قبانچی **

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف سنجش تأثیر آموزش‌های شهروندی بر افزایش آگاهی شهروندی کودکان هشت ساله شهر اصفهان (با تأکید بر نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای) به روش شبه تجربی در قالب طرح دو گروهی (آزمایش و کنترل) با پیش‌آزمون و پس‌آزمون انجام پذیرفته است. جامعه آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان پایه دوم دبستان‌های شهر اصفهان به تعداد ۲۶۵۷۲ نفر، تشکیل می‌دهد. که از این تعداد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، ابتدا دو مدرسه دخترانه و پسرانه انتخاب شد. سپس از بین کلاس‌های دوم موجود در هر مدرسه دو کلاس در قالب یک گروه آزمایش و یک گروه گواه (جمعاً ۷۸ نفر) انتخاب شدند. پس از اجرای پیش‌آزمون، دو گروه آزمایش (دختر و پسر) به مدت ۵ هفته تحت آموزش با استفاده از مولتی‌مدیای آموزش فرهنگ شهروندی قرار گرفتند، سپس از هر دو گروه کنترل و آزمایش پس‌آزمون به عمل آمد. ابزار گردآوری اطلاعات، آزمون محقق‌ساخته ترکیبی در ۵ حیطه هویت ملی، آموزه‌های دینی و مذهبی، آشنایی با قانون و مقررات، رفتار و روابط اجتماعی و حفظ محیط زیست بوده است که روایی آن تأیید شد و پایایی آن با استفاده از روش دو نیمه‌سازی، معادل ۰/۸۵ برآورد گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد، بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون شرکت‌کنندگان در کلیه ابعاد، آموزش تفاوت وجود دارد. هم‌چنین، نتایج حاکی از آن بود که تأثیر آموزش‌های شهروندی مبتنی بر نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر گروه پسران بیشتر از دختران بوده است، این آموزش‌ها بیشترین تأثیر را در بعد حفظ محیط زیست و کم‌ترین تأثیر را در بعد آموزه‌های دینی و مذهبی داشته است.

واژگان کلیدی

آموزش شهروندی، نرم‌افزار، اثربخشی هویت ملی، آموزه‌های دینی و مذهبی، آشنایی با قانون و مقررات، رفتار و روابط اجتماعی، حفظ محیط زیست

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران b_shahtalebi2005@yahoo.com

** دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)، گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران ghapanchi_1350@yahoo.com

مقدمه

با توجه به اهمیت شهروندی در دوران معاصر، متفکران متعددی به بحث و بررسی پیرامون مفهوم شهروندی پرداخته‌اند. شهروندی، عبارت است از، روش زیستن در یک شهر بر طبق اصول و قواعد و قوانین خاص. این مفهوم، امروزه با ظهور مسایلی چون: پیدایش نسل دیجیتال، افزایش و تغییر انتظارات از نظام‌های آموزشی، شکاف قابلیت و انتظارات و آرمان‌ها اهمیتی ویژه یافته و این ضرورت را ایجاد کرده است که باید با دید دیگری به انسان، جامعه و جهان نگرست و جهت تبدیل دارایی‌های انسانی به سرمایه، مداخله‌ای اصولی نمود و دگرگونی‌هایی در اندیشه و باور شهروندان ایجاد نمود. بدیهی است این امر از طریق مداخله نظام‌های آموزشی امکان‌پذیر است. در جهان امروز آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی، آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی، تربیت شهروند برای زندگی در جامعه جهانی از جمله نیازهای آموزشی است که توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. چنین آموزشی اگر بخواهد، مفید و اثر بخش باشد، نیاز به یک طرح جامع و دقیق، یک گروه حرفه‌ای و متخصص، وسایل و امکانات آموزشی مکفی و به روز و نهایتاً یک سیستم کنترل و ارزش‌یابی، هم‌چنین یک نظام تشویق و تنبیه کارآمد دارد که تمامی این مراحل را به‌عنوان یک فرآیند آموزش شهروندی تعریف، تبیین و اجرا نماید (Shahtalebi et al., 2012).

در حقیقت موضوع شهروندی رابطه شهروند را با مدیریت شهر یا دولت و حکومت تبیین می‌نماید. در این باره جانوسکی (Janoski, 1998) بیان می‌دارد که شهروندی به مثابه فرآیند اجتماعی و سیاسی از قرن نوزدهم در جوامع مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به‌طور هم‌زمان با مسأله عضویت در دولت - ملت‌ها تبدیل به مباحث مهم اجتماعی و سیاسی شده است. شهروندی طرح سؤالاتی در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسؤولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌ها است که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (Kambz, 2001). به علاوه شهروندی دقیقاً با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است (Parker, 2001)، در نتیجه کمال مطلوب آن هنگامی است که همه شهروندان با جامعه ملی تلفیق شده و ملت آن جامعه را تشکیل می‌دهند (Parker, 2001, Narimani, 2010).

دغدغه توجه به آموزش شهروندی در دهه‌های اخیر در بین متولیان امر تعلیم و تربیت و سایر افراد ذی‌صلاح بیانگر نقطه آغاز توجه به تربیت و آموزش شهروندی است. از این‌رو بحث

آموزش‌های شهروندی امروزه در اکثر کشورهای جهان مورد توجه واقع شده و برنامه‌هایی از جمله برنامه آموزشی مبتنی بر صلح جهانی که یونسکو آن را تهیه و تدوین نموده است، کانون توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. توجه به آموزش‌های شهروندی پدیده نسبتاً جدیدی است که امروز در ادبیات فرهنگی جهان خودنمایی می‌کند. در این میان تربیت شهروندان متمدن از جمله مهم‌ترین اهداف برنامه‌ها و آموزش‌های شهروندی است (Shahtalebi et al., 2012).

آموزش شهروندی «عبارت از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. این آموزش‌ها شامل حقوق انسانی، رشد مستمر و همه‌جانبه، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت‌جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوت‌هاست» (Lotfabadi, 2006). به تعبیر تورنی منظور از آموزش شهروندی، عبارتست از، فرآیند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر.

آموزش‌های شهروندی با هدف انتقال واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی صورت می‌گیرد و از سطوح دبستان تا دانشگاه قابل‌ارایه است، اما مهم‌ترین اهداف آموزش شهروندی ارتقاء توان‌مندی‌ها و مهارت‌های شهروندانی است که آگاهی و مشارکت در زندگی جزو لاینفک زندگی امروزشان است. آموزش شهروندی ضرورتاً با در نظر گرفتن نیازهای شهروندان صورت می‌گیرد و محتوای آن قابلیت‌ها و توان‌مندی‌هایی را در افراد ایجاد می‌کند که بتوانند، زمینه توسعه همه‌جانبه را از سوی فراهم و حافظ مواریث اجتماعی ارزش‌مند نسل پیشین در جامعه باشند و هم‌چنین موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شوند.

مفهوم آموزش شهروندی مفهومی است کلی، که به فرهنگ و بافت جامعه مورد نظر خود وابسته است. ولی، به معنای عام، راه‌های زندگی کردن با یکدیگر را می‌توان از آن برداشت کرد، چنانچه در اعلامیه حقوق بشر نیز به همین معنی آورده شده است. آموزش شهروندی را باید دربرگیرنده آموزش، دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها توسط معلمان و مربیان دانست که با ماهیت و شیوه‌های اداره یک نظام مردم‌سالار مشارکتی هم‌خوانی و ارتباط دارد. آموزش شهروندی عملاً به عنوان وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی برای جوانان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. برنامه‌های آموزش شهروندی باید کوشش اصلی خود را بر

درگیر کردن افراد در فعالیت‌های مربوط به حوزه زندگی خود (اجتماع) قرار دهند. بدیهی است که چنین آموزشی باید هم در درون و هم بیرون از مدرسه صورت گیرد. آموزش مؤثر شهروندی از همان آغاز، به کودکان اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی (چه در کلاس درس و چه فراسوی آن) می‌آموزد. وجه دیگر این آموزش درگیر ساختن نوجوانان و جوانان در مسایل مربوط به شرایط زندگی و دغدغه‌های اجتماع محل زیست آنها است (یادگیری از طریق مشارکت و داوطلب شدن در فعالیت‌های عام‌المنفعه و دسته‌جمعی را باید از این مقوله دانست). بالاخره وجه سوم آموزش شهروندی را می‌توان، انتقال دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی به کودکان دانست که به واسطه آن خود را عضو مفیدی از حیات عمومی جامعه تشخیص دهند. بدین ترتیب هدف‌های آموزش شهروندی عموماً باید حول سه محور آموزش مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی، فعالیت‌گرایی اجتماعی و آموزش سواد سیاسی تعیین شوند (Kazemi, 2011).

آموزش شهروندی گرچه به اشکال مختلف در بیشتر کشورها متداول بوده است، اما این روزها اقبال زیادی پیدا کرده و توجه بسیاری را معطوف خود ساخته است. به گونه‌ای که برخی از نویسندگان، این آموزش‌ها را نجات‌بخش بحران دنیای معاصر می‌دانند (Birza, 2000). اولین تلاش بین‌المللی برای مفهوم نمودن آموزش شهروندی از سوی تیم تحقیقاتی IEA¹ با طراحی و انتخاب مدلی مفهومی (مدل هشت ضلعی آموزش شهروندی IEA) صورت گرفت که بیانگر نقطه نظرهای نقش‌آفرینان اصلی و دانشمندانی بود که آن را مناسب آموزش شهروندی در جامعه مردم سالار می‌دیدند (Portella, 2003). دومین تلاش معروف در این زمینه برگزاری سمینار آموزش شهروندی در ژانویه سال ۱۹۹۹ توسط اداره برنامه درسی و ارزش‌یابی انگلستان در لندن بود. در این سمینار که با هدف جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالعات تطبیقی انجام شده آموزش شهروندی IEA برگزار شده بود، پیشنهاد ایجاد پیوستار شهروندی و آموزش شهروندی ارائه گردید که در آن صاحب‌نظران برجسته و تحلیل‌گران استدلال نمودند که آموزش شهروندی مفهومی گردد و این مفهوم در طول پیوستاری که از حداقل تا حداکثر معنا را می‌رساند، قرار گیرد، تا بتواند، قابل بحث و گفت‌وگو باشد. سومین تلاش دسته‌جمعی در این زمینه گردهم‌آیی هیأت بین‌المللی از

دانشمندان در مرکز آموزش چندفرهنگی دانشگاه واشنگتن در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۳ بود که تحقیقی بین‌المللی راجع به آموزش جهت شهروندی و مردم‌سالاری در مدارس طراحی نمودند.

در این راستا نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان رویکردهای متفاوتی را جهت هم‌نوایی با جامعه جهانی در بعد آموزش‌های شهروندی اتخاذ کرده‌اند. بدیهی است، اثربخشی این آموزش‌ها در بین گروه‌هایی که در آستانه جامعه‌پذیری بوده و آمادگی بیشتری برای پذیرش و فراگیری دارند، از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است. یونسکو، آموزش فرهنگ شهروندی را، آموزش کودکان و نوجوانان از ابتدای کودکی با هدف روشن کردن و آشنایی آنان برای مشارکت در تصمیم‌های مرتبط با جامعه معرفی نموده است و بیان این‌که این آموزش‌ها بدون درک و در نظر گرفتن مفهوم فرهنگ قابل فهم نیست، به ضرورت توجه به مفهوم ملحوظ داشتن تفاوت‌های فرهنگی در آموزش اشاره دارد. از این رو یونسکو با طرح نظریه فرهنگ دموکراتیک سعی در مشارکت همه افراد جامعه در مقوله آموزش فرهنگ شهروندی دارد (Unesco, 2010).

آموزش مؤثر شهروندی به بررسی نیازهای آموزش پرداخته، رویکردهای صحیحی برای دستیابی به اهداف تعیین نموده، ابزارهای آموزش صحیحی را برگزیده، از روش‌های مناسب آموزشی بهره برده، نتایج فعالیت‌های مورد نظر را سنجیده و برای اطمینان از اثر نهایی آموزش، نتایج آن را پی‌گیری می‌کند. آموزش‌های مؤثر، آموزش‌هایی است که با تکیه بر ارزش‌ها و به منظور گسترش و تقویت ارزش‌های ملی و انسانی طراحی و تدوین شوند (Atashpour et al., 2009). پس باید اذعان نمود، رفتارهای شهروندی نیز هم‌چون بسیاری از سازه‌های علمی قابل یادگیری است. در این حالت یادگیری یک فعالیت توزیع شده، محسوب می‌شود که در موقعیت‌های واقعی، کاربرد خاص خود را دارد و در زمینه‌های واقعی زندگی افراد به کمک آنها می‌رود. (Rabani et al., 2007) یادگیری از طریق انواع رسانه‌ها، استراتژی‌ها و فرآیندها رخ می‌دهد که مولتی‌مدیای تعاملی تنها یکی از آنهاست. این رسانه در ترکیب با فن‌آوری بازی‌های رایانه‌ای می‌تواند، برای درگیر کردن افراد و جالب‌تر کردن محیط آموزشی و یادگیری بهتر کاربرد داشته باشد (Reddi & Mishra, 2003).

از آنجا که در عصر حاضر، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات با بهره‌گیری از رایانه شناخته شده و با پیدایش فن‌آوری رایانه، استقبال چشم‌گیری از چندرسانه‌ای‌ها در قالب نرم‌افزارهای رایانه‌ای صورت گرفته، بنابراین نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای می‌تواند با فراهم آوردن محیط غنی و سرشار از

محرك‌های متنوع و گوناگون و برقراری تعامل با کاربر، به یادگیری مؤثرتر و عمیق‌تر مفاهیم بیانجامد. به عبارتی، مولتی‌مدیا ترکیب جذاب سخت‌افزار و نرم‌افزار است که برای فرد امکان ترکیب ویدیو، انیمیشن، صوت، گرافیک و تست منابع برای توسعه‌ارایه مؤثر را در یک رایانه فراهم می‌آورد (Fenrich, 1997) و مؤلفه مولتی‌مدیا، با حضور متن، تصاویر، صدا، انیمیشن، و ویدیو مشخص می‌شود (Philips, 1997).

محققان و مربیان بسیاری هستند که از کاربرد بازی‌های نرم‌افزاری به منظور آموزش حمایت می‌کنند. پاپرت^۱ در سال ۱۹۹۳ بیان داشت، بازی‌های نرم‌افزاری به کودکان می‌آموزد که برخی فرم‌های یادگیری که گام‌هایی سریع دارد، فوق‌العاده تحریک‌کننده و پاداش‌دهنده‌اند. بویله^۲ در سال ۱۹۹۷ اشاره دارد که بازی‌ها می‌توانند، در یادگیری مشارکت ایجاد کنند و یک فرمت قدرت‌مند برای محیط‌های آموزشی ارایه دهند. علاوه بر این، مطالعاتی وجود دارند که نشان داده‌اند که کاربرد با دقت بازی‌های کامپیوتری منتخب می‌تواند، تفکر را ارتقاء دهد (Aliya, 2005). از ویژگی‌های نرم‌افزارهای آموزشی این است که ابزاری برای انتقال مطالب آموزشی از طریق رایانه به آموزش‌گیرنده هستند و باید درست طراحی شده باشند تا کاربر بتواند، به سرعت کار کردن با آن را یاد بگیرد و برای استفاده از آن، وقت زیادی نیاز نباشد. از طرف دیگر نرم‌افزارهای آموزشی باید از زیبایی و جذابیت کافی برخوردار باشند، تا کاربر را هر چه بیشتر برای پی‌گیری آموزشی تشویق کند. شیوه‌ارایه سرفصل‌ها، یکی دیگر از نکات مهم یک نرم‌افزار آموزشی است. چرا که روان و شیوا بودن درس‌ها باعث می‌شود، کاربر سریع‌تر مطالب را بیاموزد و دیرتر از یاد ببرد. هم‌چنین، بخش آزمون یک نرم‌افزار آموزشی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. چرا که تأثیر و کارایی آموزشی آن نمایان می‌شود. نمایش آنی نتیجه آزمون باید بسیار ساده و در عین حال، کارا باشد، تا کاربر مقدار سعی و تلاش خود را به‌خوبی درک کند. نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای آموزشی از جمله رسانه‌هایی هستند که بیشترین نفوذ را بر ذهن تأثیرپذیر کودکان داشته‌اند و دارای سودمندی‌های بسیاری در فرآیند رشد کودک است. ولی اگر طراحی و تهیه آنها اصولی نباشد، اثربخشی بالایی نخواهند داشت و چه بسا ضررهای جبران‌ناپذیری را هم بر فرآیند رشد اجتماعی کودک وارد می‌آورند (Razavi, 2007).

1. Papert
2. Boyle

صرف نظر از نوع رسانه در حیطه آموزش‌های شهروندی تحقیقات گوناگونی انجام شده است که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

اسماعیلی و قاسمی (Esmaeli & Ghasemi, 2001) پژوهشی با عنوان «آموزش‌های شهروندی به عنوان محوری‌ترین نیاز فرهنگی شهروندان در اصفهان» انجام دادند که یافته‌های آن نشان داد آموزش شهروندی موجب افزایش انسجام اجتماعی گردیده و انسجام اجتماعی رابطه مستقیمی با میزان آگاهی و انتظارات اعضاء از یکدیگر دارد.

شرفی و طاهرپور (Sharafi & Taherpoor, 2008) در تحلیلی به بررسی «عوامل تأثیرگذار در تربیت شهروندی» پرداختند که یافته‌های آن نشان داد نهاد آموزش از طریق برنامه‌های درسی با برانگیختن مشارکت دانش‌آموزان در اداره مدرسه و فعالیت‌های فوق برنامه و ایجاد بستر لازم برای همکاری و مشارکت والدین در تربیت شهروندی تأثیرگذار بوده است.

قلتاش (Gholtash, 2009) پژوهشی با عنوان «نقد و بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی ایران در ارایه طرح برنامه درسی تربیت شهروند» انجام داد و یافته‌های آن نشان داد، اهداف تربیت شهروندی در حد انتظار برآورد نشده است. نریمانی (Narimani, 2010) پژوهشی با عنوان «بررسی مبانی، اصول و مؤلفه‌های تربیت شهروندی در آموزه‌های اسلامی» انجام داده است که یافته‌های پژوهشی نشان داد نمی‌توان تربیت مذهبی و دینی را از تربیت شهروندی متمایز دانست و ترویج آموزه‌های اسلامی بر رعایت ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤلفه‌های تربیت شهروندی مؤثر بوده است.

شاه‌طالبی و همکاران (Shahtalebi et al., 2012) پژوهشی با عنوان «تعیین مؤلفه‌ها، محتوا و اثربخشی آموزش‌های فرهنگ شهروندی در دوره‌های راهنمایی تحصیلی شهرستان اصفهان در سال ۸۸-۸۹» انجام دادند و یافته‌های پژوهش نشان داد در هر پنج بعد (حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، قانون‌پذیری، رفتار و روابط انسانی، هویت ملی، بهداشت عمومی) آموزش‌های فرهنگ شهروندی از اثربخشی برخوردار بوده‌اند.

گروسمن (Grossman, 2000) پژوهشی در قالب حوزه‌های مشترک مطالعات شهروندی انجام داده است که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد حوزه‌های مشترک تا سال ۲۰۰۰ حول ۵ محور اصلی شامل هویت، امکانات شهری، ارزش‌های اجتماعی و هم‌چنین تعهدات و حقوق مسلم بوده است.

در راستای انجام این هدف پژوهش حاضر به دنبال آن است که به بررسی اثربخشی آموزش‌های شهروندی مبتنی بر نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای بر افزایش آگاهی شهروندی کودکان ۸ ساله شهر اصفهان در ابعاد هویت ملی، رعایت قوانین و مقررات شهری، حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، آموزه‌های دینی و مذهبی، رفتار و روابط اجتماعی بپردازد.

فرضیه اصلی: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان شهر اصفهان مؤثر است.

فرضیه اول: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی از قوانین و مقررات کودکان مؤثر است.

فرضیه دوم: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان در بعد روابط اجتماعی مؤثر است.

فرضیه سوم: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان در بعد حفظ محیط زیست و توسعه پایدار مؤثر است.

فرضیه چهارم: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان در بعد هویت ملی مؤثر است.

فرضیه پنجم: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان در بعد آموزه‌های دینی و مذهبی مؤثر است.

فرضیه ششم: بین افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان شهر اصفهان بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد.

روش

با توجه به هدف پژوهش حاضر، در این تحقیق از روش شبه تجربی (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) با دو گروه آزمایشی و دو گروه کنترل استفاده شده است. متغیر مستقل در این تحقیق آموزش دریافتی کودکان ۸ ساله از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای آموزش شهروندی و متغیر وابسته نیز افزایش آگاهی کودکان در ابعاد شهروندی مد نظر تولیدکنندگان نرم‌افزار در ابعاد هویت ملی، رعایت قوانین و مقررات شهری، حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، آموزه‌های دینی و مذهبی، رفتار و روابط اجتماعی در نظر گرفته شده است. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه

دانش آموزان دوم دبستان (کودکان ۸ ساله) شهر اصفهان در سال ۱۳۹۰ می‌باشد که طبق آمار اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان تعداد کل آنان ۲۶۵۷۲ نفر می‌باشد. به منظور انتخاب نمونه در پژوهش حاضر، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. با استفاده از این روش، ابتدا از بین نواحی آموزش و پرورش، ناحیه ۴ به صورت تصادفی انتخاب گردید. در مرحله بعد، از بین مدارس ابتدایی دخترانه و پسرانه این ناحیه به طور تصادفی دو مدرسه انتخاب گردید و در مرحله بعد از بین کلاس‌های پایه دوم دبستان، چهار کلاس دوم برای اجرای پژوهش (۲ گروه آزمایش، ۲ گروه کنترل) به صورت خوشه‌ای انتخاب شدند. به منظور انجام پژوهش ابتدا آزمون آزمون محقق ساخته اندازه‌گیری افزایش آگاهی دانش‌آموزان شامل ۲۶ سؤال ترکیبی در ابعاد هویت ملی، آموزه‌های دینی و مذهبی، رفتار و روابط اجتماعی، رعایت قانون و مقررات، حفظ محیط زیست و توسعه پایدار تهیه گردید. جهت تعیین روایی، پرسش‌نامه در اختیار چند تن از استادان دانشگاه، معلمان پایه دوم دبستان و کارشناسان آموزش شهروندی قرار گرفت و مورد تأیید واقع شد. در این پژوهش برای مشخص نمودن پایایی پرسش‌نامه از روش دو نیمه‌سازی استفاده شد. این روش برای تعیین هماهنگی درونی یک آزمون به کار می‌رود. برای محاسبه ضریب پایایی با این روش، سؤال‌های (اقلام) یک آزمون را به دو نیمه تقسیم نموده و سپس نمره سؤال‌های نیمه اول و نمره سؤال‌های نیمه دوم محاسبه می‌گردد. پس از آن همبستگی بین نمرات این دو نیمه محاسبه شده ضریب همبستگی به دست آمده برای ارزیابی پایایی کل آزمون مورد استفاده قرار می‌گیرد. با استفاده از این روش در پژوهش حاضر، پایایی معادل ۰/۸۵ برآورد شد. پرسشنامه محقق ساخته ابتدا در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون و در بین دو گروه کنترل و آزمایش اجرا گردید. سپس دانش‌آموزان گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه در معرض آموزش فرهنگ شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای قرار گرفت. این نرم‌افزار توسط کمیته فرهنگ شهروندی در قالب صوت و تصویر، شعر، قصه، پازل و بازی‌های فکری خاص کودکان ۸ ساله و به منظور افزایش سطح فرهنگ شهروندی تهیه شده است. گروه کنترل در این پژوهش صرفاً در قالب متون درسی و محتوای موجود در متون به طور ضمنی آموزش فرهنگ شهروندی را دریافت می‌نمود و در معرض آموزش ویژه از طریق نرم‌افزار قرار نمی‌گرفت. پس از گذشت ۸ جلسه آزمون محقق ساخته مجدداً در دو گروه آزمایش و کنترل اجرا گردید و توسط معلم تصحیح گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار

آماري SPSS و با استفاده از آزمون‌های تحلیل کوواریانس، آزمون لوین و آزمون کولموگروف اسمیرنف استفاده انجام شد.

یافته‌ها

فرضیه اصلی: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان شهر اصفهان مؤثر است.

جدول ۱. تحلیل کوواریانس نمره کل در گروه‌های مورد مطالعه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی‌داری	مقدار اتا	توان آماری
پیش آزمون	۱۳۵۴/۷۵۳	۱	۱۳۵۴/۷۵۳	۱۵۵/۸۷۴	۰/۰۰۱	۰/۶۷۵	۱/۰۰۰
گروه	۴۶۰/۷۸۷	۱	۴۶۰/۷۸۷	۵۳/۰۱۷	۰/۰۰۱	۰/۴۱۴	۱/۰۰۰

همان‌طور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، بین گروه‌ها در سطح $P < ۰/۰۱$ تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمره کل سطح آگاهی شهروندی کودکان ۸ ساله شهر اصفهان در گروه آزمایشی از میانگین گروه کنترل بیشتر است، این تفاوت به نفع گروه آزمایشی قابل مشاهده است؛ یعنی، آموزش شهروندی توانسته است، میزان سطح آگاهی کودکان در تمامی ابعاد مورد نظر را افزایش دهد.

جدول ۲. مقایسه میانگین و انحراف معیار ابعاد سطح آگاهی شهروندی کودکان شهر اصفهان در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		شاخص‌های آماری	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	خرده مقیاس‌ها	
۱/۲۴	۳/۳۶	۱/۱۶	۲/۲۵	دختران	قانون‌پذیری
۱/۲۷	۴/۵۵	۱/۶۸	۲/۶۷	پسران	
۱/۵۴	۳/۷۲	۱/۲۶	۲/۲۰	دختران	روابط اجتماعی
۱/۵۱	۴/۲۲	۱/۴۱	۲/۶۸	پسران	
۱/۰۲	۳/۳۰	۱/۰۷	۱/۴۷	دختران	حفظ محیط زیست و توسعه پایدار
۱/۷۴	۴/۲۱	۳/۱۳	۱/۷۸	پسران	
۱/۱۶	۲/۰۲	۰/۸۰	۰/۹۷	دختران	هویت ملی
۰/۹۴	۳/۰۰	۰/۹۶	۱/۷۵	پسران	
۱/۱۲	۱/۵۲	۰/۶۰	۰/۹۵	دختران	آموزه‌های دینی
۰/۹۴	۲/۶۸	۱/۱۴	۱/۴۹	پسران	

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که در هر دو گروه دختران و پسران همه نمرات پس‌آزمون از نمرات پیش‌آزمون بیشتر است.

فرضیه اول پژوهش: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی از قوانین و مقررات کودکان مؤثر است.

جدول ۳. تحلیل کوواریانس نمره قانون‌پذیری در گروه‌های مورد مطالعه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معنی‌داری	مقدار اتا	توان آماری
پیش‌آزمون	۱۰/۰۰۶	۱	۱۰/۰۰۶	۸/۷۰۷	۰/۰۰۴	۰/۱۱۱	۰/۸۲۹
گروه	۲۷/۰۸۹	۱	۲۷/۰۸۹	۲۳/۵۷۳	۰/۰۰۱	۰/۲۵۲	۰/۹۹۸

همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می دهد بین گروه ها در سطح $P < 0/001$ تفاوت معنی دار وجود دارد و با توجه به این که میانگین نمره قانون پذیری در کودکان گروه آزمایشی از میانگین گروه کنترل بیشتر است، این تفاوت به نفع گروه آزمایشی است؛ یعنی، آموزش های شهروندی توانسته است، میزان آگاهی کودکان ۸ ساله شهر اصفهان را در بعد قانون پذیری افزایش دهد. فرضیه دوم پژوهش: آموزش های شهروندی از طریق نرم افزار چندرسانه ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان در بعد روابط اجتماعی مؤثر است.

جدول ۴. تحلیل کوواریانس نمره روابط اجتماعی در گروه های مورد مطالعه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی داری	مقدار اتا	توان آماری
پیش آزمون	۱۵/۹۰۸	۱	۱۵/۹۰۸	۱۱/۷۷۳	۰/۰۰۱	۰/۱۴۴	۰/۹۲۳
گروه	۲۱/۲۱۱	۱	۲۱/۲۱۱	۱۵/۶۹۸	۰/۰۰۱	۰/۱۸۳	۰/۹۷۴

همان طور که نتایج جدول ۴ نشان می دهد بین گروه ها در سطح $P < 0/001$ تفاوت معنی دار وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمره روابط اجتماعی در گروه آزمایشی از میانگین گروه کنترل بیشتر است، این تفاوت به نفع گروه آزمایشی است؛ یعنی، آموزش های شهروندی توانسته است، آگاهی کودکان را از روابط اجتماعی افزایش دهد. فرضیه سوم پژوهش: آموزش های شهروندی از طریق نرم افزار چندرسانه ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان در بعد حفظ محیط زیست و توسعه پایدار مؤثر است.

جدول ۵. تحلیل کوواریانس نمره حفظ محیط زیست و توسعه پایدار در گروه های مورد مطالعه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی داری	مقدار اتا	توان آماری
پیش آزمون	۱۸/۷۱۵	۱	۱۸/۷۱۵	۱۵/۴۷۱	۰/۰۰۱	۰/۱۸۱	۰/۹۷۳
گروه	۲۰/۹۸۲	۱	۲۰/۹۸۲	۱۷/۳۴۶	۰/۰۰۱	۰/۱۹۹	۰/۹۸۴

همان‌طور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، بین گروه‌ها در سطح $P < 0/001$ تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمره حفظ محیط زیست و توسعه پایدار در گروه آزمایشی از میانگین گروه کنترل بیشتر است، این تفاوت به نفع گروه آزمایشی است؛ یعنی، آموزش‌های شهروندی توانسته است، آگاهی کودکان را در بعد چگونگی حفظ محیط زیست و توسعه پایدار افزایش دهد.

فرضیه چهارم پژوهش: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان در بعد هویت ملی مؤثر است.

جدول ۶. تحلیل کوواریانس نمره هویت ملی در گروه‌های مورد مطالعه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی‌داری	مقدار اتا	توان آماری
پیش‌آزمون	۱۰/۱۳۶	۱	۱۰/۱۳۶	۲۲/۳۶۶	۰/۰۰۱	۰/۲۴۲	۰/۹۹۷
گروه	۱۴/۹۲۵	۱	۱۴/۹۲۵	۳۲/۹۵۸	۰/۰۰۱	۰/۳۲۰	۱/۰۰۰

همان‌طور که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، بین گروه‌ها در سطح $P < 0/001$ تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمره هویت ملی در گروه آزمایشی از میانگین گروه کنترل بیشتر است، این تفاوت به نفع گروه آزمایشی است. یعنی آموزش‌های شهروندی توانسته است، آگاهی کودکان را در بعد هویت ملی افزایش دهد.

فرضیه پنجم پژوهش: آموزش‌های شهروندی از طریق نرم‌افزار چندرسانه‌ای بر افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان در بعد آموزه‌های دینی و مذهبی مؤثر است.

جدول ۷. تحلیل کوواریانس نمره آموزه‌های دینی در گروه‌های مورد مطالعه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی‌داری	مقدار اتا	توان آماری
پیش‌آزمون	۱۱/۱۴۶	۱	۱۱/۱۴۶	۱۵/۰۱۹	۰/۰۰۱	۰/۱۷۷	۰/۹۶۹
گروه	۳/۶۶۸	۱	۳/۶۶۸	۴/۹۴۲	۰/۰۲۹	۰/۰۶۶	۰/۵۹۲

همان طور که نتایج جدول ۷ نشان می دهد، بین گروه ها در سطح $P < 0/001$ تفاوت معنی دار وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمره آموزه دینی در گروه آزمایشی از میانگین گروه کنترل بیشتر است، این تفاوت به نفع گروه آزمایشی است؛ یعنی، آموزش های شهروندی توانسته است، آگاهی کودکان را در بعد آموزه های دینی افزایش دهد.

فرضیه ششم پژوهش: بین افزایش سطح آگاهی شهروندی کودکان شهر اصفهان بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد.

جدول ۸. تحلیل کوواریانس در گروه های مورد مطالعه بر حسب جنسیت

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معنی داری	مقدار اتا	توان آماری
پیش آزمون	۱۱۹۰/۱۴۹	۱	۱۱۹۰/۱۴۹	۱۴۳/۰۴۹	۰/۰۰۱	۰/۶۶۲	۱/۰۰۰
جنسیت	۶/۱۰۳	۱	۶/۱۰۳	۰/۷۳۴	۰/۳۹۵	۰/۰۱۰	۰/۱۳۵
گروه	۴۶۷/۲۳۵	۱	۴۶۷/۲۳۵	۵۶/۱۵۹	۰/۰۰۱	۰/۴۳۵	۱/۰۰۰

همان طور که نتایج جدول ۸ نشان می دهد، بین گروه ها بر حسب جنسیت در سطح $P < 0/001$ تفاوت معنی دار وجود دارد. با توجه به این که میانگین نمره آگاهی شهروندی در گروه آزمایشی پسران از میانگین گروه آزمایشی دختران بیشتر است، این تفاوت به نفع گروه آزمایشی پسران در آموزش های شهروندی است؛ یعنی، آموزش های شهروندی توانسته است، سطح آگاهی دانش آموزان پسر را بیشتر از دانش آموزان دختر افزایش دهد.

جدول ۹. مقایسه میانگین و انحراف معیار گروه های کنترل و آزمایش نمرات کل سطح آگاهی شهروندی گروه های مورد مطالعه بر حسب جنسیت

متغیر	شاخص های آماری			
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نمره کل	۱۴/۲۶	۴/۵۹	۱۸/۸۶	۵/۶۳
	۱۱/۸۲	۴/۶۲	۱۱/۳۲	۴/۸۲

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد میانگین نمرات سطح آگاهی شهروندی کودکان شهر اصفهان در گروه آزمایش پسران از گروه آزمایشی دختران در پس‌آزمون بیشتر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از این تحقیق، مشخص شد آموزش‌های شهروندی مبتنی بر نرم‌افزار چندرسانه‌ای، در افزایش آگاهی شهروندی کودکان ۸ ساله شهر اصفهان در ابعاد هویت ملی، رعایت قوانین و مقررات شهری، حفظ محیط زیست، آموزه‌های دینی و مذهبی، رفتار و روابط اجتماعی مؤثر بوده است.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه اصلی پژوهش نشان داد مهارت آموزش شهروندی توانسته است، میزان سطح آگاهی کودکان را افزایش دهد. به نظر می‌رسد، به منظور ایجاد و حفظ جوامع دموکراتیک سالم، شهرها به افرادی نیاز دارند که دارای تمایلات شهروندی بوده و قادر باشند، تا با درک اختلافات ارزشی، اعتقادی و فرهنگی در تصمیم‌گیری‌های جامعه به قصد اصلاح امور، مشارکت کنند. این مهم، از طریق جریان‌های تربیت شهروندی ظهور پیدا می‌کند. چنانچه در ادبیات تعلیم و تربیت شهروندی هدف کلی را، پرورش شهروندان خوب می‌دانند. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش فتحی و اجارگاه و واحد چوکده (Fathi Vajargah & Vahed, 2009)، Chokadeh, 2009، نریمانی (Narimani, 2010) و قلتاش (Gholtash, 2009) هم‌سویی دارد. زیرا در این پژوهش‌ها نیز بر ضرورت و اهمیت آموزش‌های شهروندی و تأثیر آن بر تربیت شهروندان آگاه، مسؤلیت‌پذیر، مشارکت‌جو و شهروند جهانی تأکید شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان‌دهنده تأثیر آموزش بر ارتقای فرهنگ شهروندی است، در تفسیر این یافته می‌توان گفت که تاکنون تلاش‌های انجام شده در حیطه‌ها و ابعاد آموزش‌های شهروندی به صورت جسته و گریخته صورت پذیرفته و این تلاش‌ها در قالب نظام رسمی آموزشی و کتاب درسی مجزا صورت پذیرفته است. چنین آموزش‌هایی معمولاً به صورت غیرسیستماتیک و در ظرف محتواهایی چون تعلیمات اجتماعی آموزش داده شده و صورت آموزش نیز سنتی و با تأکید بر رویکرد موضوعی برنامه درسی انجام گردیده است. این در حالی است که ویژگی‌های جهان کنونی هم‌چون تهدید هویت‌های محلی و ملی، تکثر متغیرهای محیط زندگی، ارتباطات چندگانه و تعاملات پیچیده، مطرح شدن آموزه‌های شهروندی در قالب‌ها و اشکال متفاوت و صور جدیدی

از روش‌ها و محتواهای آموزشی را طلب می‌کند تا شهروندان آمادگی نسبی برای رویارویی با عناصر منفی و تجانس و هم‌نوایی با عناصر مثبت را کسب کنند و این مهم در مورد جامعه هدف (شهروندان کودک) به دلیل نهادینه نمودن رفتارهای صحیح به جای اصلاح رفتارهای مخرب، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نتایج حاصل از آموزش رفتارهای شهروندی با استفاده از نرم‌افزار چندرسانه‌ای، نشان داد، کودکان قادرند، به خوبی رفتارهای شهروندی صحیح را فرا گرفته و آموخته‌های خود را در این زمینه ارتقاء بخشند. تفاوت بین سطح آگاهی کودکان در ابعاد چندگانه مورد نظر در پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان‌دهنده اثر بخشی این آموزش‌ها می‌باشد.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه اول نشان داد آموزش‌های شهروندی توانسته است، آگاهی کودکان ۸ ساله شهر اصفهان را در زمینه قانون‌پذیری افزایش دهد. در بین گویه‌های این بخش، بیشترین اثربخشی آموزش‌های شهروندی به گویه ۲۳ «استفاده از اتوبوس به عنوان وسیله نقلیه عمومی» اختصاص دارد که آگاهی کودکان در این گویه از ۵٪ به ۴۱٪ رسیده است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد، آموزش‌های شهروندی در بعد رعایت قانون و مقررات بر روی گروه پسران تأثیر بیشتری نسبت به دختران داشته است. به نظر می‌رسد، قانون از یک‌سو انتظام بخش روابط مشترک و از سوی دیگر تأمین‌کننده عدالت می‌باشد. برای درک ضرورت قانون می‌توان به دو ویژگی انسان توجه کرد: یکی افزون‌خواهی انسان و دیگری خویش‌دوستی انسان، این دو هر چند در حد اعتدال، زمینه‌ساز کمال هستند، اما، چنان‌چه حالت افراط به خود گیرند، منشأ طغیان و زمینه‌های بهره‌کشی بی‌رویه از دیگران را فراهم می‌آورند. قانون‌مداری فرآیند بسط شعور شهروندی برای وصول به اهداف کلان اجتماعی از طریق رعایت حقوق فردی و جمعی و تلاشی منطقی برای اصلاح هرگونه قانونی که مانع پیشرفت اجتماعی یک کشور است، می‌باشد. یافته‌های این بخش پژوهش با نتایج پژوهش نریمانی (Narimani, 2010)، شاه‌طالبی و همکاران (Shahtalebi et al., 2012)، فتحی و اجارگاه (Fathi Vajargah, 2005) هم‌خوانی دارد. زیرا در این پژوهش‌ها نیز رعایت قانون و مقررات و حاکمیت قانون در نظام شهری را زیرمؤلفه مسؤلیت اجتماعی و از مؤلفه‌های شهروندی می‌دانند.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه دوم نشان داد میانگین نمره روابط اجتماعی در گروه آزمایشی آموزش‌های شهروندی از میانگین گروه کنترل بیشتر است؛ یعنی، آموزش‌های شهروندی توانسته است، آگاهی کودکان از روابط اجتماعی را بهبود بخشد. طبق استخراج گویه‌های پژوهش

بیشترین درصد پاسخ‌های صحیح را گروه دختران شرکت کننده در آزمون به خود اختصاص داده‌اند. در بین گویه‌های این بخش، آگاهی دانش‌آموزان در هر دو گروه (دختر و پسر) نسبت به گویه ۱۹ که در خصوص رفتارهای نادرست شهروندی در محله و مردم‌آزاری است. نتایج بیانگر آن است که قبل از آموزش این نسبت پایین بوده و فقط ۲۰٪ گروه مطالعه به سؤالات پاسخ صحیح داده‌اند و حال آن‌که پس از آموزش بیشترین پاسخ‌گویی را نسبت به سایر گویه‌های این بخش به خود اختصاص داده است و ۷۴٪ گروه مطالعه پاسخ‌های صحیحی را در این بعد ارایه داده‌اند، که نشانگر اثربخشی بالای آموزش‌ها نسبت به این گویه است. به نظر می‌رسد، اکنون شمار زیادی از شهرنشینان دچار مشکلات متعدد در زمینه‌های رفتاری به‌عنوان یک شهروند هستند، تا آن‌جا که این مشکلات مانع می‌شوند، تا آنها یک شهروند خوب، یک انسان موفق، یک والد بالغ، یک همسر مناسب و حتی یک شاغل وظیفه‌شناس باشند و این تأثیر مهمی بر موقعیت و شرایط شهرها گذاشته است. منشأ و سرچشمه این‌گونه مشکلات، عدم آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی و نهادینه نبودن رفتارهای مناسب یک شهروند است. از سوی دیگر، جامعه ما جامعه‌ای است که از کنترل بیرونی برای کنترل افراد استفاده می‌کند و جای نگرانی است که در بالا بردن کنترل درونی یا نهادینه کردن رفتارهای صحیح تاکنون ناتوان بوده است. ما رفتارهایی را به صورت سنتی و مزمین برای نظم‌دهی جامعه اعمال می‌کنیم اما متأسفانه کوشش ناچیزی برای درونی یا نهادینه کردن آنها انجام می‌دهیم، در حالی که به هر حال افراد یک جامعه همیشه دارای توانایی لازم برای خودکنترلی از طریق نهادینه کردن رفتارها هستند. یافته‌های این بخش پژوهش با نتایج پژوهش‌های نریمانی (Narimani, 2010) و قلتاش (Gholtash, 2009) هم‌سویی دارد، زیرا در پژوهش‌های ذکر شده نیز مقوله رفتار و روابط اجتماعی در فرهنگ شهروندی از اهمیت بالایی برخوردارند. اگر چه در پژوهش قلتاش (Gholtash, 2009) یافته‌ها نشان داد اهداف تربیت شهروندی در حد انتظار برآورد نشده است.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه سوم نشان داد آموزش‌های شهروندی توانسته است، میزان آگاهی کودکان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار را افزایش دهد. هم‌چنین، یافته‌ها نشان می‌دهد (مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون)، در هر دو گروه مطالعه، آموزش‌های شهروندی در بعد حفظ محیط زیست نسبت به سایر ابعاد پژوهش بیشترین تأثیر را داشته است. به نظر می‌رسد، یکی از علل اثربخشی بالای آموزش در این بعد، آوردن مطالب زیست محیطی در قالب داستان هیجانی

با قصه‌پردازی جذاب است که رفتارهای درست و نادرست با محیط زیست به تصویر کشیده شده و کودک با فضای داستان درگیر می‌شود. این سؤال پژوهش‌گویه‌های ۵-۶-۹-۱۰-۲۲-۲۶ آزمون را به خود اختصاص داده است. آشفتگی جهانی محیط زیست، بهره‌وری بی‌رویه از منابع طبیعی، تعارض میان طبیعت و فن‌آوری ایجاب می‌نماید که اندیشه و اراده‌ای نو در بازگشت به اصول و به کارگیری روش‌های سازگار با طبیعت سامان یابد. ارتقاء احساس مسؤلیت آحاد جامعه بین‌المللی در قبال محیط زیست، بیداری معنوی و پذیرش معیارهای اخلاقی در برخورداری از طبیعت، توجه به منافع بلندمدت و پایداری به جای چیرگی زودگذر و مادی، از جمله ضرورت‌های حیاتی است که کلید آن را می‌توان در اهداف آموزش زیست محیطی جست‌وجو نمود. یافته‌های این بخش پژوهش با نتایج پژوهش‌های فتحی و اجارگاه (Fathi Vajargah, 2005)، لطف‌آبادی (Lotfabadi, 2006)، آشتیانی و همکاران (Ashtiyani et al., 2006)، شاه‌طالبی و همکاران (Shahtalebi et al., 2012) هم‌خوانی دارد، زیرا در این پژوهش‌ها نیز حفظ محیط زیست و مبارزه با تخریب آن به عنوان یکی از ابعاد شهروندی مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه چهارم نشان داد میانگین نمره هویت ملی در گروه آزمایشی آموزش‌های شهروندی از میانگین گروه کنترل بیشتر است؛ یعنی، آموزش‌های شهروندی توانسته است میزان هویت ملی کودکان را افزایش دهد. هم‌چنین، نتایج حاکی است در گروه دختران شرکت‌کننده در آزمون، آموزش‌های شهروندی در بعد هویت ملی نسبت به پسران تأثیر بیشتری داشته است. این سؤال پژوهش‌گویه‌های ۴-۱۳-۱۸-۲۵ را شامل می‌شود. در بین گویه‌های این بخش، بیشترین اثربخشی آموزش‌های شهروندی به گویه ۴ در مورد پرچم ایران اختصاص دارد که آگاهی کودکان در این زمینه از ۲۵/۶٪ به ۶۹/۲٪ رسیده است. هویت پاسخی به چیستی و کیستی هر فرد است و در واقع مجموعه خصوصیتی است که شخص را از دیگران متمایز می‌کند، از این رو هیچ انسانی نمی‌تواند، بدون داشتن هویت به حیات اجتماعی خود ادامه دهد. به‌طور کلی، دو نوع هویت انسانی وجود دارد: هویت فردی - هویت جمعی. هویت فردی، خصیصه‌های فردی مشخصی است که به فرد تشخیص می‌بخشد و او را از دیگران متمایز می‌نماید. هویت جمعی هویتی است که فرد در جامعه و از طریق ارتباط با گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه آن را کسب می‌کند. هویت‌های جمعی دو نقش متفاوت در ارتباط با شبکه

روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. اگر هویت‌های جمعی در جهت ارزش‌ها و قواعد محوری نظام اجتماعی عمل نموده و با یکدیگر به تعامل پردازند، بالاترین سطح هویت جمعی؛ یعنی، هویت اجتماعی تحقق می‌یابد که برای نمونه می‌توان، به هویت ملی (ایرانی) اشاره نمود. هویت ملی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مطرح شده در مطالعات شهروندی از آن جهت واجد اهمیت است که مشروع‌ترین عرصه تجلی هویت مشترک اجتماعی در قیاس با هویت خانوادگی، محلی قومی، شهری است. مفهومی که با وجود جمعی در سایه دولتی برخاسته از آن جمع که حول مشترکات خویش معنا می‌یابند معرفی می‌شود. اگر چه هویت ملی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی و تاریخی با مؤلفه‌های عدیده‌ای دارد، اما بعد فرهنگی، مهم‌ترین بعد آن قلمداد می‌گردد. چرا که، عناصر فرهنگی هویت ملی موجب انسجام سایر ابعاد می‌شود. یافته‌های این بخش پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های تاج‌الدین (Tajaldin, 2009)، شریفی (2010, Sharifi)، گروسمن (2000, Grossman) و لطف‌آبادی (Lotfabadi, 2006) هم‌خوانی دارد. زیرا در پژوهش‌های فوق‌الذکر نیز هویت ملی از مؤلفه‌های اصلی بوده که آموزش شهروندی بر آن مؤثر واقع شده است.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه پنجم نشان داد آموزش‌های شهروندی توانسته است، آموزه دینی کودکان را افزایش دهد. هم‌چنین، یافته‌ها نشان می‌دهد (مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون)، در هر دو گروه مطالعه، آموزش‌های شهروندی در بعد آموزه‌های دینی و مذهبی نسبت به سایر ابعاد پژوهش کم‌ترین تأثیر را داشته است و در گروه پسران میانگین فقط ۰/۹۵ و در دختران ۱/۱۹ افزایش داشته است علل آن را می‌توان بیان محدود مطالب و مفاهیم این بعد در نرم‌افزار، آوردن مفاهیم در قالب ترانه به جای به تصویر کشیدن رفتار، عدم استفاده از داستان‌های جذاب در این بخش برشمرد. هم‌چنین، نتایج پیش‌آزمون در هر دو گروه مطالعه حاکی است در بعد آموزه‌های دینی و مذهبی نسبت به سایر ابعاد، کم‌ترین پاسخ‌گویی صحیح وجود داشته است. با توجه به این که ایران یک کشور اسلامی است و فرهنگ آن ریشه در فرهنگ اسلامی دارد، متولیان امر تعلیم و تربیت در این زمینه ضعیف عمل نموده‌اند و آموزش‌ها در این بخش به جای نهادینه نمودن مفاهیم، بیشتر جنبه شعاری داشته است. آموزه‌های دینی، به عنوان راهنما و خط مشی کلی عملکرد انسان مؤمن، اگر با مقتضیات زمان مطابقت داده شود و بر اساس آن توسط متخصصان تفسیر و تأویل گردد، راهنما و تضمین‌کننده سعادت و آرامش دنیا و آخرت گروندگان به آن می‌گردد.

تقویت مشترکات دینی در میان شهروندان از یک سو و پای‌بندی آنها بر شعائر دینی از سوی دیگر نشان دهنده قوام و ثبات هویت ملی در ایران خواهد بود. نتایج حاصل از این بخش پژوهش با نتایج پژوهش‌های دیگری (Sharifi, 2010, Narimani, 2010, Ashtiyani et al., 2006, Tajaldin, 2009)، هم‌خوانی دارد. در این پژوهش‌ها، دین، به عنوان منبع مهم معنابخشی و هویت‌بخشی به انسان‌های جهان به شمار می‌آورد و آموزه‌های دینی یکی از ابعاد و مؤلفه‌های آموزش شهروندی مطرح شده که با آموزش قابلیت ارتقاء را داراست.

یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه ششم نشان داد میانگین نمره آگاهی شهروندی در گروه آزمایشی پسران از میانگین گروه آزمایشی دختران بیشتر است؛ یعنی، آموزش‌های شهروندی توانسته است، سطح آگاهی دانش‌آموزان پسر را بیشتر از دانش‌آموزان دختر افزایش دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد، نرم‌افزار چندرسانه‌ای آموزشی به جهت طراحی کاراکترهای جذاب برای بیان و به تصویر کشیدن رفتارهای نادرست شهروندی و هم‌چنین به دلیل این‌که پسران نسبت به دختران به بازی‌های کامپیوتری علاقه‌مندتر هستند، در کار با نرم‌افزار تبحر بیشتری دارند، آموزش را حین بازی فرا می‌گیرند. پس نرم‌افزار چون با علایق آنان سازگارتر است، توانسته است، اثربخشی آموزش را در آنان افزایش دهد.

References

1. Aliya, S. K. (2005) The role of computer games in the development of theoretical analysis, flexibility and reflective thinking in children: A longitudinal study. *International of Psychophysiology*, 45(1-2), 149.
2. Ashtiyani, M., Fathi, K., & Yamani Doozi Sorkhabi, M. (2006). Values of citizenship in the curriculum to teach in secondary schools. *Journal of Educational Innovations*, 5(17), 92 –67. (in Persian).
3. Atashpour, S. H., Amiri, R., & Amiri, S. (2008). Principles and practice of citizenship education. (First Edition). Isfahan: Farzanegan Zayandehrood. (in Persian).
4. Birzea, C. (2000). *Education for democratic citizenship: A life long learning perspective*. Council of Europe Publication, Strasbourg.
5. Boyle, T. (1997). *Design for Multimedia Learning*. London: Prentice Hall.
6. Combs, C. (2001). *A conceptual framework toward a democratic citizenship curriculum, and its implication for education drama*. Unpublished Master of Education Thesis. University of Monitoba.
7. Esmaeeli, R., & Ghasemi, V. (2001). Citizenship education as a central requirement of citizens in Isfahan. *Review of Citizen Culture Development Conference Proceedings*. Isfahan: Moheban. 115 – 117. (in Persian).

8. Fathi Vajargah, K., & Vahedchokadeh, S. (2009). *Citizenship education in Iran*. Tehran: Ayizh. (in Persian).
9. Fathi Vajargah, K. (2005). *Citizenship Education*. Tehran: Fakher Press.
10. Fenrich, P. (1997). *Ractical guidelines for creating instructional multimedia applications forthwith*. Dryden press.
11. Gholtash, A. (2009). *Review of approaches to citizenship education in the primary school curriculum in Iran and citizenship education curriculum design*. Thesis in the field of curriculum development, Islamic Azad University, Khorasgan Branch. (in Persian).
12. Grossman, D. (2000). The global and the local in partnership: Innovative approaches to citizenship education. *Paper Presented at the Sixth Unesco – Aceid International*.
13. Janoski, T. (1998). *Citizenship and civil society*. Cambridge University Press.
14. Kazemi, A. (2010). Citizenship: From principles to practice. *Proceeding of citizenship, Publications of Cultural Organization of the Municipality of Isfahan*. (in Persian).
15. Lotfabadi, H. (2006). National and global citizenship education with strengthening the identity and value systems of students. *Journal of Educational Innovations*, 5(17), 25-32. (in Persian).
16. Narimani, M. (2010). *Study of basic principles and components of citizenship education in Islamic teachings*. Master's thesis papers of Educational Management. Isfahan University. (in Persian).
17. Papert, S. (1993). *The children's machine: Rethinking school in the age of the computers*. New York: Basic Books.
18. Parker, G. (2000). *Citizenship, contingency and countryside: Rights, culture, land and the enviroment*. London and NewYork: Routledge.
19. Philips, R. (1997). *The developer's hand book to interactive multimedia: A practical guide for educational application*. London: Kogan page.
20. Portella, E. (2003). *Indications of the knowledge Society*. London: Sage publication.
21. Rabani, A., Ghasemi, V., & Kiyanpoor, M. (2007). *Principles of citizenship education*. (First Edition). Isfahan: Isfahan Municipality Organization for Culture and entertainment publications. (in Persian).
22. Razavi, S. (2007). *Modern Topics in Educational Technology*. Shahid Chamran University, Ahvaz. (in Persian).
23. Reddi, U. V., & Mishra, S. (2003). *Educational multimedia: A handbook for teacher – developers*. New Delhi: CEMCA
24. Shahtalebi, B., Sharifi, S., & Gholizadeh, A. (2011). *Determining the content and effectiveness of citizenship education at school*. Isfahan: Leisure and Cultural Organization Municipality and Planning Department. (in Persian).
25. Sharafi, M., & Taherpoor, M. (2008). The role of educational institutions in citizenship education. *Journal of Culture Engineering*, (15), 49-37. (in Persian).
26. Sharifi, S. (2010). *The components of citizenship education in secondary schools*. Master Thesis of Cultural Management, Islamic Azad University, Khorasgan Branch. (in Persian).

27. Tajaldin, Z. (2009). *Reviving local identity of citizens polled*. Isfahan: Leisure and Cultural Organization Municipality and Planning Department. (in Persian).
28. Unesco. (2010). *Citizenship education for the 21st century*. Retrieved 01, 27, 2010 from www.unesco.org